

اشاره

در کتاب‌های درسی به ظهور مانی در دوره ساسانی اشاره‌ای گذرا شده است. نوشته حاضر می‌تواند همکاران گرامی را در این باره یاری رساند.

کلیدواژه‌ها: مانی، مانویت، قوم اوغور، زندیق

مانی

کتاب تاریخی و همچنین اشعار شاعران بزرگ، ما را بدین نکته واقف می‌سازد که مانی شخصی هنرمند و در عین حال دانشمند بوده است. جمیع روایات او را مردی صورتگر، گویا و حکیم خوانده‌اند که البته در انتساب این صفات به وی جای تعجب باقی نمی‌ماند. در واقع مانی نخستین کسی بود که هنر را برای خدمت به مذهب به کار گرفت و در این امر موفق شد. مانی در شرایطی که پیروان او خصوصاً مردمان عادی قادر به درک اسرار و رموز دین او نبودند با هنر تصویرگری خود از یک سو و از سوی دیگر با بهره‌گیری از اصطلاحات و عناصر دینی پذیرای آن روزگار توانست کیش خود را در قلب‌های مشتاق و تشنه مردمان جای دهد، چرا که اسطوره‌های پیچیده او نمی‌توانست در بین عامه مردم یعنی کم‌سوادان و بی‌سوادان نفوذ نماید.

گفته‌های مانی در کتاب **کفالایا**، فصل ۱۵۴ بند ۲، اثبات می‌کند که یک وجه برتری دین مانوی بر سایر ادیان آن عصر همین قدرت او در به تصویر کشیدن تعلیمات دینی بوده است. او در این باره چنین می‌گوید «چون همه رسولان، برادران من، قبل از من آمدند، ننوشتند تعالیم خود را چنانچه من نوشتیم، و نه نقاشی کردند تعلیمات خود را در تصاویر» (ویدن گرن، ۱۳۸۷: ۱۴۴)

پیروان مانی نیز همانند پیامبر خود عاشق زیبایی و جمال بودند و آن را در واقع راه رسیدن به حقیقت می‌دانستند. بیشتر نوشته‌های آنان



مجتبی نقدی

بازتاب مانویت در شرق و غرب

روی پوست برآق و تذهیب شده بود، احتمالاً به کار بردن انواع نقاشی چینی بازمانده از مکتب مانی است. از زمان وی فنّ تجلید و تذهیب کتاب رونق گرفت و بعدها به دیگر کشورها راه یافت زیرا کاغذهای ساخت ایران در آن زمان مرغوبیت تام داشت و سرآمد انواع مشابه بود. (ضمیری، ۱۳۸۰: ۴۴)

گسترش و انتشار دین مانی در شرق بیش از هر چیزی مدیون حمایت قوم اویغور است. در رأس این قوم، پادشاه آنان **بوقوخان** بود که ضمن قبول دین مانی، آن را دین رسمی اعلام کرد و با ارسال سفیرانی به لویانگ پایتخت چین، مانستانهای متعددی را برپا کردند و چون قدرت لازم را داشتند چینیها مخالف این امر نمی شدند. (نامق اورغون، ۱۳۵۱: ۲۷)

این مانویان که هنرمندانی بی نظیر بودند برای نوشتن و تصویرگری کتابهای خود رنج بسیار می بردند. آنان با خوش نویسی شکوهمندی خط می نوشتند و تصاویر را با رنگ و طلا مزین می کردند. در غرب، آگوستین قدیس که مدت ۹ سال بر کیش مانی بود با همه انتقاداتش از مانویان از سطح بالای کتابهای مصوّر آنان سخن می گوید. چرا که آنان در پاکیزگی نوشتههای خود بسیار دقت می کردند. مقایسه این آثار با آثار بازمانده بودایی نشان می دهد که سنت خوش نویسی در چین به ویژه به دست مانویان رواج یافت. نوشتن تمام صفحه در یک یا دو ستون با وسواس انجام می گرفت و گاه از جوهر سیاه یا قرمز برای نگاشتن بخشهای مختلف استفاده می کردند. (کلیم کایت، ۱۳۸۴: ۲۲۲ و ۲۲۳)

سنت مانوی

استفاده از فلزاتی چون طلا و نقره و تذهیب در نگارگری ایران، دنباله مستقیم همان سنت مانوی است. در واقع استعمال این فلزات گران بها به منظور ایجاد انعکاس نور و پرتوهایی است که با روح بیننده به تبادل معنوی خاصی می رسند. مانویان نیز که از تأثیرات فلز طلا آگاهی داشتند به وفور آن را در آثار خود به کار می بردند. ادامه این سنت در نگارگری ایران قابل مشاهده است. حتی هاله به کار برده شده در اطراف سر ایزدان و قدیسان نشان از تعالی قدسی آنان به سوی آسمان داشت. (معمارزاده و بهادر، ۱۳۸۷: ۴۰) لوکوک معتقد است که سبک نقاشی مانی در دوران ساسانی رواج داشته و از



گسترش و انتشار دین مانی در شرق بیش از هر چیزی مدیون حمایت قوم اویغور است. در رأس این قوم پادشاه آنان بوقوخان است که ضمن قبول دین مانی، آن را دین رسمی اعلام کرد و با ارسال سفیرانی به لویانگ پایتخت چین، مانستانهای متعددی را برپا کردند

آنجا به مغولستان و ترکستان و چین نفوذ کرده و مدتی بعد بار دیگر به ایران بازگشته است. این سبک و شیوه تازه نقاشی مینیاتور که در حقیقت تغییر و تحولی در نقاشی قدیم ایرانی به وجود آورد، هنگام بازگشت بر اثر حمایت پادشاهان و حکام هنردوست ایرانی، سبک نقاشی زمان را که تحت تأثیر نقاشیهای مغرب زمین و فرقههای عیسوی آسیایی بود از میان برده و جانشین آنها گردیده است. (وزیری، ۱۳۸۰: ۱۴۷)

برخی بر این عقیده اند که حتی موسیقی و سازهای ایرانی و آواز به وسیله پیروان مانی در آسیای مرکزی و ترکستان شرقی به آن سوی سیر دریا - سیحون - برده شد و هنگامی که ترکان اویغور آیین مانی را پذیرفتند از راه آن مذهب، نقاشی و ساز و آواز و به طور کلی موسیقی ایران و آمیختگی آن با شعر به دورترین نواحی چین رفت. (بدیعی، ۱۳۵۴: ۳۹)

سر توماس آرنولد، نحوه شمایل نگاری و شکلهایی را که مورد توجه خاص هنری قرار گرفته است و نیز سایر تزئیناتی را که از نقاشی مانوی به نقاشی مینیاتور اسلامی راه یافته، شاهد آورده و معتقد است که هنر اسلامی از نظر فنی مبتنی بر هیچ سنتی از آن خود نبوده است که بتواند بدان تکیه کند و نقاشان اسلامی مجبور بودند به هنر بیزانس - سریانی، یعنی هنر مسیحی یا مانوی، متکی باشند. این نکته مبین آن است که منشاء مینیاتور اسلامی با زمینههای توراتی یا انجیلی را باید خارج از هنر مسیحی جستجو کرد. زیرا نحوه ارائه مطلب چنان با سنتهای مسیحی بیگانه است که لازم است آن را نوعی انتقال از طریق مانویت فرض کرد. بدون تردید هنر مانوی در ادامه بقای سنتهای هنری اشکانی - ساسانی در هنر اسلامی نقش به سزایی داشته است. (ویدن گرن، ۱۳۸۵: ۱۵۳ و ۱۵۴)

آنچه مسلم است اینکه مانی و کیش وی سبب ترویج نقاشی و اعتلای هنرهای زیبای کتاب گردیده است. مانی خود توصیه کرده بود که برای بیان فلسفه آیینش، تالارهایی به نام نگارستان ساخته شود که بر دیواره آنها داستان خلقت آدم و سرنوشت او را براساس معتقدات وی نقاشی کنند. **این روش بعدها در میان کلیساهای نسطوریان رسوخی تمام یافت.** دقت و اهتمام فراوان مانویان در نوشتن و استنساخ متون سبب شده است که ما در آثارشان به ندرت به اشتباه نسخه بردار برمی خوریم. درست بر خلاف متون



پهلوی زردشتی و فارسی که دست‌کاری‌ها و سهل‌انگاری‌های نسخه‌برداران و کاتبان پی بردن به گفته مؤلف را دشوار و گاه ناممکن می‌سازد. آثار مانویان اغلب به خطی خوش و گاه مزین به نقاشی و نگارگری و تذهیب است. (تفضلی، ۱۳۸۶: ۳۳۳) جاحظ نویسندهٔ مسلمان [متوفی ۲۳۸/م ۸۵۹ ه.ش.] با اشاره به مانویان آورده است که ابراهیم سندی، زمانی به وی گفته بود «ای کاش زنادقه این همه هوشیار نبودند و برای کاغذ سفید تمیز و مرکب سیاه براق هزینهٔ گزافی نمی‌پرداختند و خوش‌نویسی را به چنان پایگاه متعالی نمی‌رساندند و خوش‌نویسان را به چنین رقابتی ترغیب نمی‌کردند؛ چه به راستی هیچ کاغذی را ندیدیم که با کتاب‌ها و شیوهٔ خوش‌نویسی آنان قابل مقایسه باشد». (کلیم کایت، ۱۳۸۴: ۷۵)

در مجموع باید گفت که سبک و مکتب نقاشی ایرانی پس از حملهٔ عرب تا هجوم مغول همان نقاشی مکتب مانی است و نمونه‌های بسیاری از نقاشی‌های دیواری و کتابی دوران دیلمی، غزنوی و سلجوقی در دست است که می‌تواند بهترین معرف و گواه این مدعا باشد. (همایونفرخ، ۱۳۵۳: ۲۴) آنچه امروزه مسلم است این است که شیوهٔ نقاشی مکتب مانی در پیدایش مکاتب بدون تأثیر نبوده است چراکه با هجرت گزیدگان مانوی به سوی سرزمین‌های شرقی و همچنین اروپا و شمال آفریقا و گسترش کیش مانوی در این نقاط،

اشاعهٔ هنر مانوی را بر سایر ملل موجب شد. به‌ویژه ترکستان شرقی یعنی جایی که پیروان این مذهب توسط خانوادهٔ سلطنتی در طول قرن‌های هشتم و نهم حمایت می‌شدند. اویغورهای مانوی منطقهٔ تورفان، که تحت نفوذ چینی‌ها بودند والیان خود را پذیرای دین مانوی کرده و به این طریق آنان را با هنر ایرانی-مانوی آشنا ساختند و موجب اشاعهٔ گسترش آن در منطقه شدند. پس دور از ذهن نخواهد بود که با حملهٔ مغول به ایران و روی کار آمدن کاتبان اویغوری در دستگاه‌های دولتی،

دوباره هنر مانوی در دربار ایران به ارمغان آورده شده باشد. (معمارزاده و بهادر، ۱۳۸۷: ۴۲)

کیش مانی در عصر سلسلهٔ سونگ در چین، بیش از هر گروهی مورد پسند کشاورزان واقع شد. آنان دین جدید را «مینگ جیائو» به معنای دین روشنایی که از اعتقادات مانویان گرفته شده بود، نامیدند. در مدارک این سلسله یادداشت‌های زیادی دربارهٔ نهضت مقاومت کشاورزان دیده و معلوم می‌شود که بسیاری از شرکت‌کنندگان در آن نهضت پیروان دین مینگ جیائو بوده‌اند. (ون یه‌سیون، ۱۳۷۲)

به‌نظر می‌رسد پیروان دین مینگ جیائو از وضع اجتماعی خود ناراضی و خواستار تغییر آن بوده‌اند. این جماعت که اغلب آنان را کشاورزان تشکیل می‌دادند هرازگاهی در نهضت انقلابی کشاورزان شرکت می‌کردند و اعتقاد داشتند که در دنیای آینده وضع بهتری خواهند داشت.

اما بازتاب فرهنگی کیش مانوی در سده‌های آغازین دورهٔ اسلامی به خوبی مشهود است. گفته شده طرد حیات دنیوی و نفی مادیات و پرداختن به امور اخروی که جزء

درون‌مایه‌های اصلی کیش مانوی است در اندیشه‌های عرفانی سده‌های بعد تأثیر داشته است. (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۱: ۳۲۳)

از دستاوردهای ادبی آیین مانوی نیز می‌توان به ابداع خط جدیدی اشاره کرد که تلفظ اصوات و کلمات را آسان‌تر کرده و حالت منطقه‌ای به خود گرفته و قابلیت آن را

داشته که مورد استفاده مردان بسیاری با زبان‌های سریانی و پهلوی ساسانی قرار گیرد. با قبول الفبای مانوی از سوی سغدی‌ها به تدریج خطی به‌وجود آمد که اقوام آسیای مرکزی آن را به‌کار گرفتند. در عرصهٔ ادبیات اصلاح مهمی که مانی انجام داد این بود که به‌جای خط پهلوی خط سریانی را به‌کار گرفت. در خط پهلوی، شباهت حروف موجب خطا در قرائت می‌شد. اما در این خط جدید، که مانی توانست با طرزی بسیار اندیشمندانه الفبای سریانی را با زبان ایرانی [جنوب غربی و شمالی] وفق دهد،



از دستاوردهای ادبی آیین مانوی نیز می‌توان به ابداع خط جدیدی اشاره کرد که تلفظ اصوات و کلمات را آسان‌تر کرده و حالت منطقه‌ای به خود گرفته و قابلیت آن را داشته که مورد استفادهٔ مردان بسیاری با زبان‌های سریانی و پهلوی ساسانی قرار گیرد

نه تنها کلمات هزوارش رایج در زبان پهلوی را متروک داشت، بلکه به جای املائی نیمه تاریخی که به علت محافظه کاری زردشتیان، خط پهلوی هرگز از آن رهایی نیافت مانی رسم الخطی به کار برد که کاملاً متناسب با تلفظ و معادل اصوات و حرکات بود. (کریستین سن، ۱۳۷۷: ۲۸۵)

می توان گفت یکی از دلایل موفقیت مانویان این بود که با ادبیات خاص هر قوم و به عبارت ساده تر با زبان ویژه آنان دین خود را عرضه می کردند و حتی المقدور نام های خدایان و اصطلاحات دینی معروف هر قومی را به کار می بردند تا تبلیغ شوندگان با دین جدید احساس غرابت نکنند. به عنوان مثال در میان زردشتیان از اسامی ایزدانی چون اورمزد، مهر و زروان و از اصطلاحات دینی مانند امهرسپند=امشاسپند بهره می بردند، اما در پس آن ها عقاید اصلی خود را القا می کردند. (تفضلی، ۱۳۸۶: ۳۳۳)

سرکوب مانویان

گرچه جماعت مانوی در دوران بنی امیه و خصوصاً خالد بن عبدالله قسری برای مدتی توانستند نفوذی کسب کنند ولی در دوران بنی عباس به شدت مورد قتل و نهب و غارت و ایداً قرار گرفتند. در میان خلفای عباسی خشونت المهدی و مقتدر در قلع و قمع و دفع مانویان زبانزد است.

در دوران مأمون اگرچه مانویان باز مورد تعقیب و خشونت بودند ولی فرصتی پیش آمد تا با تشکیل جلسات درس و بحث و مناظره و رونق گرفتن حلقه های مباحثه ادیان مختلف هر کدام به دفاع از عقاید خود بپردازند و ایده های دیگران را به چالش کشند. به تبع همین جلسات کتابها و رسالات متعددی نیز نگاشته شد. به عنوان مثال در کتاب «شکندگمانیک و چار»، یا گزارش گمان شکن، که رساله ای زردشتی در رابطه با اسلام، مسیحیت و یهودیت و مانویت است مرتان فرخ نویسنده آن تمام فصل شانزدهم آن را به انتقاد علیه مانی و میراث مانویان اختصاص داده است. (آسموسن، ۱۳۶۷: ۵۱۳)

رساله گجستک ابالیش [ابالیش ملعون] نیز بیانگر مناظره ابالیش زندیق و موبد آذرفرنبغ است. در کتاب «دینکرت» نیز این بدبینی

نسبت به مانویان قابل مشاهده است و آذرباد مهر اسپندان از دیانت زردشتی در مقابل مانویت دفاع کرده است.

در دوران خلفای عباسی اتهام زندیق بودن به ابزاری کار آمد در دست حکام تبدیل شد تا موانع اصلی قدرت را به راحتی از سر راه خود بردارند. قتل عام برامکه در عهد هارون الرشید و همچنین سوزاندن عبدالله بن مقفع دانشمند و مترجم معروف بر چنین زمینه ای اتفاق افتاد.

ابن ندیم برمکیان، را جز محمد بن خالد بن برمک، زندیق می داند. فضل [برمکی] و برادرش حسن و نیز محمد بن عبیدالله، کاتب المهدی، همگی زندیق بوده اند که این آخری بدان اعتراف کرد و مهدی او را کشت. (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۶۰)

در دوران خلافت عباسی «صاحب الزنادقه»، فردی بود تام الاختیار، به منظور اقدام فوری، آئی و مؤثر علیه هر گونه بدعت خصوصاً مانویت؛ وی رئیس دادگاه تفتیش عقاید بود و در واقع نقش یک مفتش اعظم را اعمال می کرد. (ویدن گرن، ۱۳۸۷: ۱۷۰) مانویان که بدین گونه گرفتار می شدند می بایست آیین خود را ترک گفته، تغییر مذهب داده، بر تصویر مانی تف انداخته و کبکی را قربانی می کردند در غیر این صورت کشته می شدند. (مسعودی، ۱۳۷۸، ج ۲: ۴۳۳)

پیش تر اشاره شد که با تشکیل جلسات مناظره در دوران مأمون، فضایی به وجود آمد تا پیروان ادیان مختلف هر کدام اعتقادات دیگران را نقد کنند و این امر سبب شد باز ردیه نویسی به وجود آید.

ردیه نویسی را اساساً مسیحیان در قرن چهارم میلادی با هدف به چالش کشاندن اعتقادات مانوی آغاز کردند که در این میان قدیمی ترین آنان مربوط به اسکندر لوكوپولیس از مردم مصر است. این بیانگر آن است که آیین مانوی در مصر رسوخی تمام داشته است. در عصر اموی، نامی ترین شخصیت مسیحیت شرقی یوحنا دمشقی (۱۳۲-۶۵ ه.ق/۷۴۹-۶۷۵ م) علاوه بر مناظره در رد عقاید مانوی مطالبی نیز نوشته و عقاید آنان را در باب خدا و مسیح به چالش کشانده است. (طاهری عراقی، ۱۳۸۴: ۱۰۱)

مزدک و تأثیر از مانی

گروهی از محققان برآنند که در قرن پنجم میلادی، آیین مانوی الهام بخش نهضت انقلابی مزدک بود. (ژ. دومزیل، ۱۳۸۹: ۲۴۴)

مزدکیان مانند پیروان مانی معتقد بودند که انسان

پیشوایان مانویان به دلیل تربیت بابلی، به نجوم علاقه خاصی داشتند. مانویان ایرانی تبار آسیای مرکزی و چین، هفته سیاره‌ای را به اویغورها و چینی‌ها منتقل کردند، در تقویم اویغورهای مانوی نام‌های ایرانی سیاره‌ای برای روزهای هفته دیده می‌شود به‌عنوان مثال شنبه kiwan معادل زحل - کیوان، یکشنبه mir برابر میر یا مهر، دوشنبه may، سه‌شنبه wxan معادل بهرام یا مریخ - چهارشنبه tir تیر - پنجشنبه urmuzd یا مشتري و آدینه naxio برابر با ناهید. (همان: ۳۰)

شاید بتوان گفت سومریان در عرصه نجوم پیشتر از همه تمدن‌ها بوده‌اند و این توجه به ستارگان از سومریان به جوامع بین‌النهرین خصوصاً به بابلی‌ها به میراث رسید. بابلی‌ها سرنوشت انسان را از روی گردش سیارات رقم می‌زدند و به اسرار و رموز آینده پی می‌بردند. ایرانیان نیز توجه به ستاره‌شناسی و اخترشناسی را از جوامع بین‌النهرین آموختند و پادشاهان و امرا در امور خطیر

آیین مانی با تجارت شرق، به فرانسه جنوبی رسید و موجب پیدایش فرقه مقتدر کاتار یعنی پاکان گردید اما کلیسای کاتولیک بدان اعلان جنگ سختی داد. در مدت بیست سال، ناحیه بزیه و کار کاسون غارت گردید و هزاران تن از جانب تفتیش مذهبی کشته و یا سوزانده شدند

و سرنوشت‌ساز چون جنگ، با ستاره‌شناسان و علمای نجوم به رایزنی می‌پرداختند.

مانویان سغدی تبار نیز که در چین به تبلیغ و گسترش آیین مانی می‌پرداختند از حدود سال ۷۱۹ میلادی و پس از آمدن دانشمند اخترشناس مانوی به نام موجو (moucho) هفته سیاره‌ای را در متون چینی وارد کردند به طوری که در متون چینی مانوی قرن هشتم تا سیزدهم آثار این وام‌گیری فرهنگی دیده شده و به‌ویژه در متون نجومی این پدیده آشکار است. (همان: ۳۴)

در غرب، اگرچه حملات تند و سرکوبگرانه‌ای علیه مانی و پیروان او آغاز شد و در واقع اولین رساله‌ها در رد کیش مانوی از سوی مسیحیان نگاشته شد، ولی باید توجه داشت که مانی با تلفیق آموزه‌هایی از دین مسیح توانسته بود پیروانی را پیدا کند. او خود را حواری عیسی مسیح می‌خواند و اصل تثلیث را این‌بار به‌گونه‌ای دیگر و در قالب پدر عظمت، مادر زندگانی و انسان نخستین متجلی می‌سازد. این ویژگی‌ها سبب گردید

بایستی تعلقات خود نسبت به امور مادی را کم کند و از هر چه این علاقه را مستحکم می‌سازد دوری کند. مزدک با بهره‌گیری از نتایج حکمت الهی مانی در زمینه امور اجتماعی به عقیده مخصوصی رسید که می‌توان آن را نوعی کمونیسم افراطی دانست چراکه می‌گفت باید هر چه را که پایه و اساس اجتماع روی آن تکیه دارد نابود شود؛ حتی خانواده و ثروت موجود نباشد تا امتیازی بین افراد نباشد. (بیات، ۱۳۶۸: ۲۲۷) مزدک نیز مانند مانی به روح ازلی «نور و ظلمت» معتقد است با این تفاوت که مزدک عقیده دارد روح ظلمت تصادفاً و نه از روی آهنگ قبلی دست به عمل می‌زند، از این رو مزدک بیش از مانی قدرت برتری نور



را تبلیغ می‌کند. وی معتقد است که تکامل دنیا در جهت پیروزی نهایی نور بر ظلمت بوده و این پیروزی در اثر اعمال نیک و پرهیزگاری افراد بشر تسهیل خواهد شد. (ز.دومزیل، ۱۳۸۹: ۲۵۴)

اما مانویان سنت گاه‌شماری و به تبع آن گاه‌نامه ویژه‌ای داشتند. دکتر قریب معتقد است نام‌گذاری شنبه، یکشنبه ... و آدینه به احتمال قوی از مانویان وام گرفته شده است چراکه در متون فارسی میانه و پارتی نیز شواهدی دارد. اما نام‌گذاری هفته به نام هفت سیاره [هفته سیاره‌ای] ویژه متون سغدی است. (قریب، ۱۳۷۶: ۲۰)

که دین مانی در غرب جانشین دین مهری شود. دینی ایرانی که توانسته بود صفحات بزرگی از امپراطوری روم و اروپا را دربرگیرد.

کیش مانی به سرعت در سوریه، مصر و در طول ساحل مدیترانه‌ای آفریقای شمالی گسترش پیدا کرد و در روم، اسپانیا و جنوب گل (فرانسه) نفوذ کرد. امپراطوران روم، آن را واژگون‌کننده کشور قلمداد کردند و علیه آن به‌پا خاستند و کشیشان به محکوم کردن آموزه‌های آن، که نسبت به تعالیم کلیسا دشمنانه می‌نمود، پرداختند. ده سال پس از مرگ مانی بر اثر سعایت‌های یولیانیوس، فرمانی از امپراطور روم دیوکلسین علیه مانویان به سال ۲۹۷ میلادی به منظور سوزاندن کتاب‌های آنان صادر شد. در سده پنجم میلادی نیز، پاپ سنت لئون، بار دیگر حکم به سوزاندن نوشته‌های مانویان داد. اقدامات سنت اگوستین پس از دست کشیدن از دین مانی و گرویدن به مسیحیت و نوشتن کتب و رساله علیه مانویان نیز جالب توجه است. (میرفخرایی، ۲۰:۱۳۸۳)

در سال ۲۹۷ میلادی که مصر علیه روم شورش کرد، مانوی‌ها با استفاده از موقعیت سست اقتصادیشان بدون شک محرکین اصلی شورش بودند و این اقدام آنان شاید نوعی تبابی با نرسی شاه ساسانی بود که تازه به سلطنت رسیده بود. از طرفی شاهزاده عرب، عمر بن عدی فرمانروای حیره که از سال ۳۷۰ تا ۳۰۰ میلادی در این منطقه سلطنت کرد حامی مانوی‌ها بود و گفته می‌شود یک مانوی به‌نام اینابوس را به‌عنوان سفیر خود نزد نرسی فرستاد. (ویدن گرن، ۱۳۸۷:۱۵۷)

مانویت در اروپا

آیین مانی با تجارت شرق، به فرانسه جنوبی رسید و موجب پیدایش فرقه مقتدر **کاتار** یعنی پاکان گردید اما کلیسای کاتولیک بدان اعلان جنگ سختی داد. در مدت بیست سال، ناحیه بزیه و کارکاسون غارت گردید و هزاران تن از جانب تفتیش مذهبی کشته و یا سوزانده شدند [۲۹-۱۲۰۹م] این بخش از فرانسه چنان آسیب دید که سه قرن طول کشید تا خرابی‌های آن مرمت شد. (گیرشمن، ۱۳۸۶:۴۱۷)

در اسپانیا در پایان سده چهارم میلادی، مانویان به‌سر می‌بردند و ژروم مقدس می‌دانست که در لوسیتانیا زنان بسیاری بودند که کتاب گنج مانی و دیگر آثار گنوسی را می‌خواندند. مانویت در روم پیروان بسیاری داشت و شواهدی در دست است که از سال ۳۷۲ تا ۵۲۳ میلادی، مانویان گه‌گاه در شهر حضور داشتند و

فعالیت می‌کردند. (هوار، ۱۳۸۶:۲۰۵)

این آیین در بلغارستان هم نفوذ یافت و دسته‌های پدید آمدند به نام **بوگومیل** به معنای محبان خدا. واژه بوگو برگرفته از بغ به معنی خداست که اصطلاحی ایرانی است. این گروه نیز با مخالفت کلیسا مواجه شد. چراکه پیامدهای اجتماعی عجیبی را به دنبال داشت و به پیروان این مذهب تعلیم داده می‌شد که زیر بار هیچ مقامی نروند و با ثروتمندان مخالفت نشان دهند، از امپراطورها متنفر باشند و بدانند خدا دشمن کسانی است که برای امپراطور خدمتگزاری می‌کنند. (دکره، ۱۳۸۰:۱۸۴ و ۱۸۵)

در مجموع گروه‌هایی که در اروپا یک چند مجال ظهور یافتند با خشونت کلیسا و امپراطوران روم و بیزانس سرکوب شدند. این فرقه‌ها که هر کدام از نور و ظلمت ثنویت سخن می‌گفتند بازماندگان گروه‌های مانوی بودند که از آسیای صغیر و شمال آفریقا به جنوب، شرق و مرکز اروپا راه یافتند و تا قلب فرانسه نیز نفوذ کردند.

منابع

۱. ویدن گرن، گنو؛ مانی و تعلیمات او، ترجمه دکتر نزهت صفای فراهانی، تهران: مرکز چاپ سوم، ۱۳۸۷.
۲. محمدعلی؛ تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، شیراز: ساسان، چاپ هشتم، ۱۳۸۰.
۳. ناق اورغون، حسین؛ آیین مانی در میان اوغورها، ترجمه عبدالقادر آهنگری، مجله بررسی‌های تاریخی، شماره ۴، سال هفتم، مهر و آبان، ۱۳۵۱.
۴. کلیم کایت؛ هنر مانوی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: اسطوره، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۵. معمارزاده، محمد و بهادر، یگانه؛ استمرار هنر و سنت مانوی بر نگاره‌های مکتب اول تبریز، کتاب ماه هنر، شماره ۱۱۹، ۱۳۸۷.
۶. وزیری، علینقی؛ تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی، تهران: هنرمند، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.
۷. بدیعی، نادره؛ ادبیات آهنگین ایران، تهران: روشنفکر، چاپ اول، ۱۳۵۴.
۸. تقضی، احمد؛ تاریخ و ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران: سخن، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
۹. همايونفرخ، رکن‌الدین؛ سیری در مینیا تور ایران، مجله هنر مردم، شماره ۱۴۰ و ۱۴۱، خرداد و تیر ۱۳۵۳.
۱۰. ون یه سیون؛ دین مانی در آسیای مرکزی و چین، مجله چیستا، شماره ۹ و ۱۰، تهران، خرداد و تیر ۱۳۷۲.
۱۱. اسماعیل پور، ابوالقاسم؛ بازتاب فرهنگی کیش مانوی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۳، تهران، ۱۳۸۱.
۱۲. کریستین سن. آرتور؛ ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یامسی، تهران: دنیای کتاب، چاپ نهم، ۱۳۷۷.
۱۳. آسوسن، جی. پی؛ تاریخچه مطالعات مانوی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، مجله آینده، شماره ۹ تا ۱۲، تهران، سال چهارم، ۱۳۶۷.
۱۴. ابن‌نديم؛ الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۵. مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین؛ مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد دوم، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۸.
۱۶. طاهری عراقی، احمد؛ رده‌نویسی بر مانویت در عصر اسلامی، کشاکش‌های مانوی، مزدکی در ایران عهد ساسانی، گردآوردگان ملیحه کرباسیان و محمد کریمی زنجانی اصل، تهران: اختران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۱۷. ژدومزلی؛ تاریخ ایران، جمعی از ایران‌شناسان اروپا، ترجمه کاظم عابدینی مطلق، تهران: فراگفت. چاپ سوم، ۱۳۸۹.
۱۸. بیات، عزیزالله؛ کلیات تاریخ و تمدن ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.
۱۹. قریب، بدرالزمان؛ هفته در ایران قدیم، مجله‌نامه فرهنگستان، شماره ۳ و ۴، تهران، ۱۳۷۶.
۲۰. میرفخرایی، مهشید؛ فرشته روشنی، مانی و آموزه‌های او، تهران: ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲۱. گیرشمن، رومن؛ ایران از آغاز تا اسلام، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۶.
۲۲. هوار، کلمان؛ ایران و تمدن ایرانی، ترجمه حسن انوشه؛ تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.
۲۳. دکره، فرانسوا؛ مانی و سنت مانوی، ترجمه عباس باقری، تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۰.